

## Bahá'í Approach to Non-Involvement in Partisan Political Activity

US Bahá'í National Center / October 2022

### رویکرد جامعه بهائی به عدم مداخله در فعالیت‌های سیاسی حزبی

دفتر محفل ملی ایالات متحده / اکتبر ۲۰۲۲

۱- ... وقتش رسیده که بذکر یک دستور مهم که در این مرحله از تکامل امرالله تأکیدش پی در پی لازم است مبادرت ورزم زیرا اکنون اجرای این دستور در شرق و غرب عالم واجب است، و آن چنین است که پیروان حضرت بهاءالله چه از حیث فردی و چه جمعی باید از شرکت در امور سیاسی اجتناب کنند و از هر نوع عملی که مستقیم یا غیر مستقیم به منزله دخالت در امور سیاسی هر مملکتی باشد بپرهیزند. و در جمیع شئون، در مطبوعات منتشره تحت نظرشان، در مشاورات شخصیّه و عمومیّه‌شان، در شغل و مقامشان، در مخابراتشان با احباء، در مراجعاتشان با اولیاء امور و نفوس مهمّه، در بستگیشان به سازمانها و مجامع مشابه، باید اوّل وظیفه خود دانند که در گفتار و کردار مواظبت نمایند تا مبدا قدمی از این اصل مسلم منحرف گردند.

[حضرت ولی امرالله، نظم جهانی بهائی، صص ۸۸-۸۹]

۲- در این ایام که قوای غیر قابل مهار قهر و شرّ بر اختلافات میان امم و ملل و شرایع و عقاید و طبقات دامن می‌زند، وفاداری به نظم بدیع حضرت بهاءالله و حفظ و صیانت مؤسّسات اصلی آن هر دو ایجاب می‌کند که جمیع پیروان آئین الهی، علی‌رغم فشار ناشی از افکار عمومی سریع‌التبلور، عزم را جزم نمایند و فرداً و جمعاً، چه در کلام و چه در عمل، چه به طور غیررسمی و چه در جمیع بیانیه‌ها و انتشارات رسمی، در بحران‌های مکرر سیاسی که اکنون جامعه بشری را مضطرب ساخته و در نهایت آن را احاطه خواهد نمود، از نکوهش یا جانبداری، هر قدر به طور غیرمستقیم بیان شود، اجتناب نمایند. جای بسیار نگرانی است که مبدا تأثیرات فزاینده چنین مصالحاتی سبب انهدام تار و پود، و انسداد مجاری برکاتی شود که حافظ تداوم و استمرار نظامی الهی با سرشتی فراملی و نظم و انتظامی فوق‌طبیعی است، که با چنان زحمتی تکامل یافته و اخیراً تأسیس گشته.

[حضرت ولی امرالله، کتاب *Directives from the Guardian*، ص ۵۶، ترجمه غیررسمی]

۳- حضرت ولی امرالله مایلند که به واسطه شما توجه یاران را به این مطلب جلب کنم که آنها باید بسیار مواظب باشند که در اظهارات علنی خود از هیچ شخصیت سیاسی نام نبرند، یعنی نه از آنها طرفداری و نه به آنها اعتراض کنند. این اولین چیزی است که باید به یاد داشته باشند. در غیر این صورت، یاران را درگیر امور سیاسی خواهند نمود و این بی‌نهایت برای امر خطر دارد. ترجمه رسمی فارسی در دست نیست.

[از جانب حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا، ۱۲ ژانویه ۱۹۳۳، بهائی نیوز [Bahá'í]

[News]، شماره ۷۲، آوریل ۱۹۳۳، ص ۳]

۴- نگرش و طرز تفکر احباً باید به دو جهت معطوف باشد، اطاعت کامل از دولت کشوری که در آن سکونت دارند، و عدم هر نوع دخالتی در امور و مسائل سیاسی. آنچه که منظور واقعی حضرت عبداله‌بهاء است اطاعت از حکومت مشروع است صرف نظر از اینکه چه نوع حکومتی باشد. ما، به عنوان افراد بهائی، مسئول ابراز قضاوت در باره عدالت یا عدم عدالت حکومت نیستیم زیرا که افراد مسلماً دیدگاه‌های متفاوتی خواهند داشت، و در میان جامعه

بهائی آنچنان نفاقی حاصل خواهد شد که اتحادمان را نابود خواهد کرد. ما باید نظام بهائی خود را بنا کنیم، و بگذاریم که نظام‌های باطل جهانی راه خود را بپیمایند. ما نمی‌توانیم با دخالت خود آنها را عوض کنیم، و بالعکس آن نظام‌ها ما را نابود خواهند نمود.

[حضرت ولی امرالله، کتاب *Directives from the Guardian*، ص ۵۶، ترجمه غیررسمی]

۵- یک نکته اساسی در میان است که حضرت ولی امرالله مایلند بر آن تأکید کنیم. اصل عدم مداخله در امور سیاسی را نباید فقط به معنای اجتناب از فساد سیاسی و سیاست حزبی تلقی کنیم. بلکه باید از هر اظهار نظری راجع به هر نظام سیاسی منسوب به هر دولتی پرهیز کنیم. نه تنها باید از هیچ حزب یا گروه یا نظام سیاسی رایج طرفداری نکنیم، بلکه باید از اینکه رسماً نظری اظهار نمائیم که بتواند به موافقت یا مخالفت با یک سازمان یا فلسفه سیاسی موجود تعبیر گردد خودداری نمائیم. روش بهائیان باید کناره‌گیری کامل باشد. آنها طرفدار و یا مخالف هیچ نظام سیاسی‌ای نیستند. این به این معنی نیست که آنها خیرخواه حکومت متبوعه خود نیستند بلکه به این معنی است که به علت برخی ملاحظات اساسی که از تعالیم و نظام اداری آئین ایشان سرچشمه می‌گیرد، ترجیح می‌دهند در امور سیاسی درگیر نگردند و مقاصد و مآرب آنها بر هموطنانشان مشتبه نشود.

با تشبث به این اصل، واضح و روشن است که ارائه مقالات به هر مجله‌ای در مورد امور سیاسی جاری بالاخره منجر به این خواهد شد که نویسندگان عقاید و انتقادات خود را، چه به‌طور مستقیم و چه به‌طور غیرمستقیم، ابراز نمایند. مضاف بر این، او همیشه با این خطر مواجه است که اظهاراتش از طرف سیاسیون سوء تعبیر و سوء فهم شود. از این رو، بهترین راهکار ساده این است که در باره امور جاری سیاسی به هیچ وجه مطلبی ننویسیم. [برگرفته از نامه‌ای مورخ ۲ مارس ۱۹۳۴ خطاب به یکی از احباب، ترجمه غیررسمی]

۶- حضرت ولی امرالله با حضور دانشجویان بهائی در تظاهراتی نظیر آنچه در بریده جریده به آن اشاره شده مخالفتی ندارند. بالعکس، ایشان معتقدند که چگونه بهائیان می‌توانند نسبت به اظهارات همکلاس‌هایشان، هنگامی که نقطه نظر بهائی را در خصوص مسأله‌ای چنین حیاتی بیان می‌نمایند که برای ما نیز بسیار حائز اهمیت است، بی‌تفاوت باشند.

هیکل مبارک معتقدند که عبارتی که در رساله «ظهور عدل الهی» به آن اشاره کردید بدون شک نشان می‌دهد که چنین تظاهراتی موجه است. از آنجا که آن تظاهرات به هیچ وجه جنبه سیاسی ندارد، دلیلی برای عدم شرکت دانشجویان بهائی وجود ندارد.

[برگرفته از نامه‌ای از طرف حضرت ولی امرالله به آقای السورث بلکول مورخ ۴ ژانویه ۱۹۴۸، ترجمه غیررسمی]

۷- در رابطه با موضوع مطروحه در نامه آقای بلکول و اشاره شما به آن، همانطور که حضرت ولی امرالله در نامه خود به ایشان ذکر فرمودند، به نظر هیکل مبارک به هیچ وجه مانعی برای شرکت دانشجویان در امری مثل تظاهرات دانشگاهی علیه تبعیض نژادی که به‌وضوح به روح تعالیم بهائی نزدیک است وجود ندارد. بهائیان این تظاهرات را آغاز نکردند، و صرفاً افتخار آن را داشتند که به عنوان بهائی در چنین تظاهراتی حضور یافته و نظر خود را ابراز کنند. هیکل مبارک معتقدند که آنها کار درستی کردند و از هیچ اصل اداری بهائی تخلف ننمودند. [برگرفته از نامه‌ای از طرف حضرت ولی امرالله به محفل ملی ایالات متحده و کانادا مورخ ۱۸ نوامبر ۱۹۴۸، ترجمه غیررسمی]

۸- در خصوص سؤالی که مطرح کردید، حضرت ولیّ امرالله دلیلی نمی‌بینند که بتوان شرکت بهائیان را به همراه سازمان‌ها و نهادهای دینی دیگر، در جلسه‌ای غیرسیاسی که هدفش در راستای ترویج اتحاد و رفاه است، سیاسی تلقی نمود. به همان اندازه که احباً باید از امری که حتی به‌ظاهر دالّ بر تعلق آنان یا امر مبارک به احزاب سیاسی باشد اجتناب نمایند، به همان مقدار نیز باید از آن سوی افراط اجتناب ورزند، یعنی امتناع از هرگونه شرکت به همراه گروه‌های مترقی، در کنفرانس‌ها و در کمیته‌هایی که فعالیت‌هایی را ارتقاء می‌دهند که کاملاً با تعالیم ما همخوانی دارد - مانند بهبود روابط نژادی.

[برگرفته از نامه‌ای از طرف حضرت ولیّ امرالله به آقای السورث بلکول مورخ ۲۱ نوامبر ۱۹۴۸، ترجمه غیررسمی]

۹- غالباً بسبب تصوّرات غلط ما است که می‌پنداریم با فعالیت‌هایی خارج از دائرة امر میتوانیم به هموعان خود بیشتر کمک کنیم و بعلت همین تصوّرات است که احباً بورطه سیاست کشانده میشوند. این اشتباه خطرناکی است. همانطور که منشی حضرت ولیّ امرالله از قبل هیکل مبارک نوشته است: «آنچه ما بهائیان باید بپذیریم این حقیقت است که جامعه امروزه با چنان سرعتی رو باضمحلال می‌رود که برخی از مسائل اخلاقی که تا نیم قرن پیش برای مردم وضع روشنی داشت اینک بصورتی یأس‌آور آشفته و مغشوش است و بدتر آنکه این آشفستگی اخلاقی با اغراض خصمانه سیاسیّه توأم گردیده است و بهمین علت احباً باید جمیع قوای خود را در راه استقرار امرالله و تأسیس نظم اداری مصروف دارند. در حال حاضر بهیچ طریق دیگر قادر نخواهند بود که جهان را تغییر دهند و یا بآن کمکی نمایند. اگر بمسائلی که حکومت‌های جهان در گیر و دار آند آلوده گردند از بین خواهند رفت ولی اگر تشکیلات بهائی را بشکل نمونه درآورند آنگاه که همه روشهای دنیا شکست خورند میتوانند آنرا بصورت یگانه داروی آلام بشر عرضه نمایند (ترجمه)». «... ما باید سیستم بهائی را توسعه دهیم و سیستم‌های دیگر دنیا را بحال خود گذاریم. با [آلوده] شدن باین سیستم‌ها نخواهیم توانست آنرا اصلاح کنیم بلکه بالعکس آنها ما را نابود خواهند کرد.» (ترجمه). [بیت العدل اعظم، دستخط‌های بیت العدل اعظم، رضوان ۱۹۶۳ تا رضوان ۱۹۶۸، صص ۵۴۸-۵۵۰]

۱۰- نافرمانی مدنی برای بهائیان مجاز نیست. اما چنانچه حکمت اقتضا کند و مشورت با مؤسّسات امری به آن نتیجه رسد، فرد بهائی می‌تواند در عین اطاعت از قانونی مکروه، به اولیای امور شکایت کند.

خلاصه فرد بهائی باید کاملاً نسبت به مرجع و مقام مشروع در جامعه خود مطیع باشد. به این ترتیب، مثلاً اگر اولیای یک مدرسه از طرف مقامات ایالتی مجاز باشند که نظامات و ضوابطی را در مورد رفتار شاگردان وضع نمایند، شاگرد بهائی از آن ضوابط تبعیت خواهد نمود. او می‌تواند در اقدامی به منظور اصلاح این ضوابط شرکت کند مشروط بر اینکه نحوه عملش بر خلاف هیچ یک از اصول بهائی یا هیچ قانون و ضابطه‌ای و از جمله ضابطه‌ای که جویای اصلاح آن است نباشد. در مواردی که یک ایالت یا دولت محلی یا یک اداره دولتی یک قانون ناعادلانه را تنفیذ می‌کند و یا قانونی را به نحوی ناعادلانه تنفیذ می‌نماید، فرد بهائی که در ناحیه تحت اشراف مقام مزبور زندگی می‌کند نه سعی خواهد کرد با تخلف از قانون مزبور بطلان آن را نمایان کند و نه هیچ قانون دیگری را جهت اعتراض به قانون اول نقض خواهد کرد.

[برگرفته از مقاله "Obedience to Civil Authority" منتشره در *National Bahá'í Review*، اوت ۱۹۷۰، ترجمه غیررسمی]

۱۱- اصل عدم مداخله در سیاست مقتضی آن است که بهائیان اجازه ندهند در مجادلات و منافع متعارضی که اسباب تفرقه در میان بسیاری از دسته‌ها و گروه‌های هموعان آنهاست درگیر شوند. حضرت ولی‌ امرالله این اصل را در صفحات ۶۴ تا ۶۷ از "نظم جهانی حضرت بهاءالله" در بخشی که با این عبارات آغاز می‌شود به وضوح اعلان فرموده‌اند:

[احباً] باید از وابستگی به فعالیت‌های سیاسی ملت‌های خود و از سیاست‌های دول متبوعه خود و از توطئه‌ها و برنامه‌های احزاب و گروه‌های سیاسی لفظاً و عملاً اجتناب نمایند. در این چنین مناقشاتی نه ملامت کنند و نه جانب‌داری نمایند، نه به پیشبرد طرحی کمک کنند و نه خود را به نظامی وابسته بدانند که منافعی با مصالح اتحاد و مودتی است که حفظ و ترویجش در جهان هدف بهائیان می‌باشد.... باید مراقب باشند و اجازه ندهند که ابزار دست سیاست‌مداران ناصالح قرار گیرند و یا در دام دسیسه‌گران و فریب‌کاران در بین هم‌وطنان‌شان گرفتار شوند.

[برگرفته از دستخطی از طرف بیت العدل اعظم مورخ ۳۱ مارس ۱۹۸۲، ترجمه بیان حضرت ولی‌ امرالله از هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی]

۱۲- حضرت ولی‌ امرالله هشیاری نسبت به مفهوم وحدت عالم انسانی را که در صد سال گذشته به منصفه ظهور رسیده و اکنون در حال بروز و پدیداری است معلول دو فرایند موازی و مرتبط سازندگی و تخریب توصیف فرموده‌اند. با عمل کردن در محدوده ضروریات منبث از این دو فرایند که حضرت ولی‌ امرالله ذکر فرموده‌اند، ما در مقام افراد خواهیم توانست به نحوی مؤثر به ندای وجدان خود جواب گوئیم.

واضح‌ترین شاخص این محدوده البته وظیفه اخلاقی ما جهت تجلی بخشیدن در زندگی خود به اصل عدالت مطابق تعالیم بهائی است. یک شاخص دیگر مسئله اجتناب از هرگونه فعالیت سیاسی حزبی است که به آن اشاره نموده‌اید. اما نباید برداشتی نادرست از این اصل داشت. برنامه آئین بهائی بنفسه تا جایی که در صدد ایجاد تغییر در سیاست عمومی و رفتار در عرصه‌های محلی و ملی و بین‌المللی است در حوزه سیاست قرار می‌گیرد. جهت حصول این مقصود، جامعه با سازمان‌های همفکر دیگر همکاری می‌کند و از نزدیک با دول دوست و محب و نهادهای سازمان ملل متحد کار می‌کند. در ضمن این کار، کوشش‌های جامعه کاملاً پایمند به اصول و موازین است تا از درگیر شدن در مقاصد و برنامه‌هایی که منافع احزاب و گروه‌هایی خاص و یا قوای سیاسی آلوده به اغراض را ترویج می‌کند اجتناب شود. این معیار ایضاً باید بر رفتار افراد احباً نیز حاکم باشد.

...

نمونه‌ای از موفقیت‌هایی که از طریق این گونه اقدامات خردمندانه و پایمند به اصول قابل حصول است مبارزاتی است که در نیمه دوم قرن بیستم برای دستیابی به برابری نژادی در کشورهای نظیر ایالات متحده و آفریقای جنوبی صورت گرفت. چندین دهه قبل از اینکه این مسئله به حدی قابل توجه حمایت عامه مردم یا دول را جلب کند، بهائیان در سلوک روزانه خود و در حیات جوامع خویش و غالباً با مخاطره شخصی، تعهد بی‌دریغ خود را به اصل وحدت عالم انسانی نمایان کرده بودند. به تدریج که فرصت‌های بیشتری فراهم شد، بهائیان در طیف کوشش‌های خود از این فرصت‌ها بهره بردند و چون در واکنش به تغییرات حاصله در افکار عمومی تغییرات سیاسی صورت گرفت، دیده شد که بهائیان در صف اول قوای وحدت‌بخشی که به ظهور رسید قرار دارند. جامعه بهائی ایالات متحده به احتمال زیاد امروزه منسجم‌ترین و یکپارچه‌ترین گروه مردمی در آن کشور است و این امتیازی است که رهبران جنبش حقوق مدنی در سطحی وسیع آن را ستوده‌اند. این موفقیت تا حد زیادی پیروزی صدها نفر از یاران است که اعمالشان در همه

حال و شرایطی گواه تعهد خلل ناپذیر آنها به آرمان‌هایی بود که در در مقام پیروان آئین بهائی به آن اعتقاد عمیق روحانی داشتند.

این مسئله مهم است که این موفقیت بدون آنکه به وجهی از وجوه از اصل عدم مداخله در سیاست عدول شود و یا به حیثیت امر الله در انظار عمومی خدشه‌ای وارد گردد به دست آمد. با توجه به آنچه در وضع و شرایط موجود ممکن بود، احبای امریکا و افریقای جنوبی اطمینان حاصل نمودند که تعهدشان آنها را در صف مقدم یک فرایند عظیم تغییر و تحول اجتماعی قرار داد. کوشش‌های ایشان در عین حال درک و بصیرت آنها را نسبت به مسائل روحانی مربوطه افزایش داد و بدین ترتیب کارآیی جامعه‌شان را در مقام نیرویی برای پیشرفت اجتماع تقویت کرد. [برگرفته از دستخط بیت العدل اعظم خطاب به یک فرد مورخ ۲۷ نوامبر ۲۰۰۱، ترجمه غیررسمی]

۱۳- با توجه به اینکه لازم است جامعه بهائی مناسباتی با دول داشته باشد، چه به جهت دفاع از اعضایی که تحت اذیت و آزارند و چه به جهت استقبال از فرصت‌های ارائه خدمات، درک صحیح اینکه بر طبق خط مشی عدم مداخله در امور دولت چه اقدامی از نظر تعالیم بهائی مشروع است بدون شک برای افراد احبای دشوار است. اوضاع و شرایط موجود در داخل و خارج ایجاب می‌کند که جامعه بهائی روابطی با دول داشته باشد. از این رو مهم است که تصمیمات راجع به هدایت این روابط توسط مؤسسات صاحب اختیار امری اتخاذ شود و نه افراد. در این نوع مسائل، نظر به پیچیدگی بسیار امور بشری‌ای که جامعه بهائی باید به نحوی روزافزون با آنها از نظر روحانی و عملی برخورد کند، تشخیص افراد کافی نیست.

... در همه این موقعیت‌ها، محفل روحانی ملی باید پیامدهای مثبت و منفی هر اقدامی را که در نظر گرفته است به دقت بسنجد و تصمیمش را ترجیحاً با اطلاع قبلی و تصویب بیت العدل اجرا نماید. یاران باید بیاموزند که وضع جدید را درک کنند، حق مؤسسات انتخابی خویش را برای تصمیم‌گیری در مسائلی که مربوط به روابط با دولت‌های آنها می‌شود بپذیرند، و نشان دهند که به وعده محتوم حضرت بهاء الله که جامعه پیروان خود را حفظ خواهد فرمود اعتماد کامل دارند. [برگرفته از دستخطی از جانب بیت العدل اعظم مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۸۷، ترجمه غیررسمی]

۱۴- مطابق اصول بهائی ... روش خصمانه و مداخله در سیاست حزبی برای بهائیان مجاز نیست و توصیه نمی‌شود. نافرمانی مدنی اگرچه بدون خشونت است اما با اصول بهائی راجع به مشورت و اطاعت از مراجع سیاسی مغایرت دارد. [برگرفته از نامه‌ای از طرف محفل روحانی ملی مورخ ۲۶ اکتبر ۱۹۸۷، ترجمه غیررسمی]

۱۵- جامعه بهائی ایران در وضعیتی نبود که در مقابل تضییقات وارده اعتراض خود را بیان کند. احبای آن دیار از دیدگاه دولت ایران، حتی در زمان شاه، هرگز شأن و منزلتی نداشتند و همیشه اقلیتی در معرض ظلم و ستم بوده‌اند. از منظری کلی‌تر، جامعه بهائی چگونه می‌تواند وقت محدود خود را به اعتراض به هزاران مورد نقض حقوق بشر در جهان تخصیص دهد در حالی که به‌خوبی واقف است که راه حل اساسی برای مشکلاتی که جامعه با آن روبروست به میزان گسترش آئین بهائی و انتشار تعالیمش در سراسر جهان وابسته است؟ این بدین معنی نیست که بهائیان نگران

موارد نقض حقوق بشر نیستند، بلکه باید اولویت را به تأسیس وسائلی اختصاص داد که از طریق آن مشکلاتی که عمیقاً در عدم اتحاد نوع بشر ریشه دارد حل گردد. فقط امر الهی است که می‌تواند به این مهم پردازد.

سازمان‌های متعددی وجود دارند که هم خود را وقف اعتراض به نقض حقوق بشر نموده‌اند، و در بسیاری موارد افراد بهائی از حامیان این سازمان‌ها بوده‌اند. با توجه به محدودیت نسبی جمعیت بهائی در جهان، و این که در بسیاری مناطق بهائیان خود نیز کاملاً با تعالیم مبارک آشنا نیستند، در این مرحله امکان اینکه بتوانند به کلیه آلام بشری پردازند وجود ندارد، اما لازم است که وقت خود را صرف این نمایند که اصول بهائی را در وجود خود نهادینه کنند و تعداد پیروان آئین الهی را تا حدی بیفزایند که بتواند تأثیری ژرف در تغییر رفتار در جامعه جهانی گذارد. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این که هر چند میل ملحق شدن به اعتراضات علیه نقض حقوق بشر قابل تحسین و تمجید است، لکن دخالت مستقیم احباً در چنین فعالیت‌هایی آنها را بیشتر در دام سیاست گرفتار می‌کند که به زیان امر الله خواهد بود. به این دلیل است که باید اصل همکاری، ولی نه وابستگی، به سازمان‌هایی مانند عفو بین‌الملل مراعات گردد.

[برگرفته از نامه‌ای از طرف بیت العدل اعظم مورخ ۲ دسامبر ۱۹۹۲، ترجمه غیررسمی]

۱۶- همانطور که می‌دانید، رویه مؤسسات یا افراد بهائی این نیست که در مقابل تصمیمات سیاسی دولت‌ها موضعی اختیار نمایند. یکی از بزرگترین موانع پیشرفت بهائیان تمایل آنها به جذب شدن به افکار کلی و مناقشاتی است که آنها را احاطه کرده است. اهمیت اساسی اصل اجتناب از سیاست و مسائل بحث‌برانگیز این است که بهائیان نباید به خود اجازه دهند که در منازعات گروه‌های متعارض در اجتماع اطراف خود درگیر شوند.

هدف آئین بهائی آشتی دادن دیدگاه‌ها، درمان اختلاف‌ها، و ترویج بردباری و احترام متقابل بین مردم است و اگر به خود اجازه دهیم که دستخوش شور و هیجان گذرای دیگران شویم، به این هدف لطمه خواهیم زد. این بدین معنی نیست که بهائیان نمی‌توانند با نهضت‌هایی در خارج امر همکاری کنند، بلکه قضاوت سلیم لازم است که بین آن دسته از فعالیت‌ها و همکاری‌هایی که نافع و سازنده‌اند و آنان که اختلاف برانگیزند تمایز بگذاریم.

[برگرفته از نامه‌ای از طرف بیت العدل اعظم مورخ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۳، ترجمه غیررسمی]

۱۷- ما یلیم از این فرصت استفاده کنیم و راهنمایی بیت‌العدل اعظم را در مورد روز جهانی مشابهی که سال گذشته سازمان‌دهی شد مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم؛ البته این در صورتی است که از شما درخواست شود، یا خود مایل باشید، در تظاهراتی که در محل سکونت شما برگزار می‌شود شرکت کنید.

مسئلاً آگاهی دارید که بهائیان در فعالیت‌های سیاسی حزبی مشارکت نمی‌جویند. در این مورد، بیت‌العدل اعظم در پیامی به تاریخ ۳۱ اکتبر سال ۲۰۰۸ خطاب به احباب ایران درباره این اصل اساسی امر مبارک چنین فرمودند:

به هم‌وطنان عزیزتان مکرراً توضیح دهید که هر نوع دخالت در سیاست حزبی و یا جبهه‌گیری سیاسی در تمام سطوح محلی، ملی و بین‌المللی در دیانت بهائی اکیداً و شدیداً منع و نهی شده است. مفهوم حکومت در مقام نهادی برای تأمین رفاه و ترقی جامعه بشری و اصل اطاعت از آن و تبعیت از قوانین مدنی از جمله ویژگی‌های بارز آئین بهائی است. بهائیان به ایران عشق می‌ورزند و بر اساس تعالیم دیانت خود، خیرخواه همگان هستند و در هر کشوری که زندگی می‌کنند، از جمله

موطن جمال مبارک، به جان و دل می‌کوشند که شهروندانی مفید برای پیش‌برد رفاه عمومی باشند. به هم‌کاری با دیگران در راه ایجاد الفت و یگانگی و برقراری صلح و عدالت اجتماعی مأمورند. برای احقاق حقّ خود و دیگران از طرق صلح‌آمیز و با استفاده از مجراهای قانونی موجود با امانت و صداقت می‌کوشند. از نزاع و تهاجم شدیداً برکنارند، از کشمکش برای دسترسی به سلطه و اقتدار دنیوی پرهیز می‌کنند و برای براندازی هیچ دولتی نه خود دست به اقدامی می‌زنند و نه در توطئه و دسیسه دیگران وارد می‌شوند. تاریخ صد و شصت سال گذشته مؤید این ادعا است.

سازمان دهندگان «روز جهانی اقدام» (Global Day of Action) صراحتاً اظهار داشته‌اند که اقدامشان در اصل غیرحزبی، و هدف از آن درخواست از دولت جمهوری اسلامی ایران است که قوانین بین‌المللی حقوق بشر و موارد مربوط به آن را - که در قانون اساسی کشور تأمین شده - مراعات نمایند. از این رو، افراد احبا قاعداً آزادند که با مشارکت در این رویداد از آن حمایت کنند. همچنین، اگر از آنان بخواهند که دادخواست‌های مربوط به همین موضوع را امضا کنند، مجازند آن را امضا نمایند، مشروط بر این که عبارت دادخواست غیرحزبی باشد. در واقع، اقداماتی از این دست فرصت مناسبی برای احباء فراهم می‌سازد که تمایل خود را برای مشارکت با افراد و سازمان‌هایی اظهار دارند که اهداف مشترکی با امر مبارک دارند، و در دفاع از عدالت و حقوق انسانی تمامی مردمی می‌کوشند که قربانیان ستم و بیدادند.

البته احبایی که بخواهند در این تظاهرات یا در این گونه تظاهرات شرکت جویند، باید دقت نمایند که در برخی از کشورها، و در بعضی موارد، به رغم خواسته اصلی برگزارکنندگان، تظاهرات رنگ سیاست حزبی به خود می‌گیرد. مسلماً در چنین موارد، احبا در تظاهرات شرکت نخواهند نمود، و اگر در بجهت تظاهرات غیرحزبی، ماهیت آن تغییر نماید، باید یاران با مراعات حکمت آن رویداد را ترک کنند.

در صورتی که در مورد مشارکت در تظاهرات شهری که در آن ساکنید، پرسشی به میان آید، توصیه می‌کنیم که با محفل روحانی محل تماس حاصل نمایید و مطابق با راهنمایی آن عمل کنید. محافل روحانی محلی نیز می‌توانند برای کسب اطلاع و راهنمایی با دفتر امور خارجی (Office of External Affairs) تماس حاصل نمایند. [برگرفته از نامه محفل روحانی ملی خطاب به جامعه بھائی امریکا مورخ ۲۷ مه ۲۰۱۰، ترجمه غیررسمی]

۱۸ - [بھائیان] در هیچ توطئه و دسیسه‌ای برای براندازی هیچ دولتی شرکت نمی‌جویند و در روابط سیاسی دول مختلف دخالت نمی‌نمایند. این بدان معنی نیست که بھائیان از فرایندهای سیاسی جهان امروز بی‌اطلاع‌اند و بین حکومت‌های عادل و ظالم تمایز قائل نمی‌شوند. رهبران جهان در قبال مردم کشور خود که گران‌قدرترین ذخایر هر مملکت شمرده می‌شوند وظایف سنگین و مقدسی بر عهده دارند. بھائیان در هر کجا که ساکن باشند می‌کوشند که موازین عدالت را رعایت نمایند و برای اصلاح نابرابری و بی‌عدالتی نسبت به خود و دیگران، در قالب قوانین موجود، فعالیت کنند ولی از هر نوع اقدام خشونت‌آمیز نیز اجتناب می‌ورزند. محبتی که بھائیان در قلوب‌شان نسبت به تمام نوع بشر می‌پروراند هیچ مغایرتی با احساس علاقه و وظیفه نسبت به وطن‌شان ندارد. [برگرفته از پیام بیت العدل اعظم مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ (۲ مارس ۲۰۱۳) خطاب به احبای ایران]

۱۹ - حال که اهداف واقعی مخالفین آیین بھائی برملا گردیده شایسته است که به علاقه روزافزون ایرانیان به درک نگرش بھائیان نسبت به سیاست پاسخ گویند مبدا سوء تفاهمات موجب سستی پیوندهای دوستی و رفاقتی گردد که با نفوس بی‌شماری برقرار ساخته‌اید. سزاوار آنست که در این پاسخ فقط به چند جمله کوتاه، هرچند مهم، در باره محبت و یگانگی اکتفا نکنید بلکه تصویری از چارچوبی که رویکرد جامعه بھائی را نسبت به این موضوع شکل

می‌دهد برای هم‌وطنان عزیز خود ترسیم نمایید. امیدواریم توضیحات زیر بتواند در این مورد به شما عزیزان کمک کند.

چشم‌انداز آیین بهائی از سیاست با مفهومی خاص از تاریخ و مسیر آن رابطه‌ای جدایی‌ناپذیر دارد. پیروان حضرت بهاء‌الله معتقدند که نوع بشر به آغاز مرحله درخشانی در فرایند طولانی تکامل خود رسیده، فرایندی که او را از مرحله طفولیت به آستانه بلوغ یعنی مرحله استقرار یگانگی نوع بشر رسانده است. همانند یک فرد که قبل از ورود به مرحله بلوغ جسمانی، دورانی متغیر اما نویدبخش را می‌گذراند و بسیاری از قوا و استعدادهای نهفته‌اش آشکار می‌گردد، عالم انسانی نیز اکنون در بحبوحه تحوّل بی‌سابقه قرار گرفته و بسیاری از اغتشاشات و تلاطمات جهان امروز را می‌توان فوران احساسات پر جوش و خروش این مرحله و نشانه آغاز بلوغ نوع انسان دانست. با ظهور و بروز مقتضیات این بلوغ، آداب و رسوم و نگرش‌ها و عادات متداوله قرون و اعصار دیرین یکی پس از دیگری از کارآیی باز می‌ماند.

در تغییر و تحولات کنونی جوانب مختلف زندگی بشری، بهائیان تعامل دو فرایند اساسی را مشاهده می‌نمایند. طبیعت یک فرایند تجزیه و تخریب و طبیعت دیگری ترکیب و سازندگی است. هر یک از این دو به طریقی نوع بشر را به سوی بلوغ کامل خود سوق می‌دهد. اثرات فرایند اول در همه جا آشکار است: در دشواری‌های گریبان‌گیر نهادهایی که در گذشته مورد نهایت احترام بوده‌اند؛ در ناتوانی رهبران عالم از ترمیم شکاف‌های فزاینده‌ای که در ساختارهای اجتماعی به چشم می‌خورند؛ در فروپاشی معیارهایی که طی قرون و اعصار تمایلات ناهنجار بشری را مهار کرده‌اند؛ و در یأس و بی‌تفاوتی نه فقط افراد بلکه اجتماعاتی که تماماً حس هدف‌مندی خود را از دست داده‌اند. اما نیروهای تخریب هرچند ویران‌گرند ولی در عمل سدهایی را که مانع پیشرفت بشر می‌شوند از میان برمی‌دارند و فضایی برای فرایند سازندگی فراهم می‌نمایند تا گروه‌های مختلف را به هم نزدیک کند و امکانات تازه‌ای را برای همکاری و معاضدت در برابر دیدگان‌شان قرار دهد. بهائیان فرداً و جمعاً البته می‌کوشند تا مساعی خود را با قوای فرایند سازنده هم‌سو نمایند زیرا معتقدند که این فرایند، هر چقدر افق‌های نزدیک تیره و تار باشد، روز به روز قوی‌تر خواهد شد، امور بشری سازمانی کاملاً جدید خواهد یافت و عصر صلح عمومی چهره خواهد گشود.

[برگرفته از پیام بیت العدل اعظم مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ (۲ مارس ۲۰۱۳) خطاب به احبای ایران]

۲۰- بدین ترتیب بهائیان دائماً می‌کوشند تا به نصیحت حضرت بهاء‌الله گوش فرادهند که می‌فرمایند: "از بیگانگی چشم بردارید و به یگانگی ناظر باشید." آن حضرت به پیروان خود توصیه می‌فرماید که "امروز انسان کسی است که به خدمت جمیع من علی الأرض قیام نماید." نصیحت حضرتش آنست که "هر روز را رازی است و هر سر را آوازی. درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر. امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید." حضرت بهاء‌الله در اهمیّت وحدت و یگانگی می‌فرمایند: "نور اتفاق آفاق را روشن و منور سازد."

با توجه به این‌گونه عقاید و افکار، بهائیان می‌کوشند تا حدی که امکانات‌شان اجازه دهد با تعداد فزاینده‌ای از جنبش‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد همکاری نمایند و به اقدامات مشترکی بپردازند که بر اتحاد و یگانگی می‌افزاید، رفاه عالم انسانی را ترویج می‌دهد و به هم‌بستگی جهانی کمک می‌نماید. آثار بهائی پیروان این آیین را به مشارکت



فعلاً نه در جوانب بی‌شماری از زندگی معاصر فرا می‌خواند. بهائیان برای انتخاب میادین مشارکت خود موظفند که این اصل مندمج در تعالیم بهائی را نیز مد نظر داشته باشند که وسیله باید با هدف توافق و تطابق داشته باشد و نمی‌توان از راه‌های ناشایست به اهداف متعالی دست یافت. به خصوص ممکن نیست بتوان وحدتی پایدار را از طریق مجهوداتی بنیان نهاد که اختلاف را ترویج می‌دهد و یا مبتنی بر این باور است که تعاملات بشری کلاً و ذاتاً بر شالوده تضاد منافع استوار می‌باشد. در اینجا باید متذکر شد که با وجود محدودیت‌های ناشی از پای‌بندی به این اصل، جامعه بهائی دچار کمبود موقعیت برای همکاری نبوده است؛ چه بسیارند مردمانی که امروزه در سراسر جهان در جهت تحقق اهدافی که مورد نظر بهائیان نیز هست مجدداً در تلاش‌اند. بهائیان هم‌چنین می‌کوشند تا در همکاری‌های خود با دیگران از مرزهای مشخصی فراتر نروند مثلاً هیچ اقدام مشترکی را فرصتی برای تحمیل عقاید مذهبی خود نشمرند....

[برگرفته از پیام بیت العدل اعظم مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ (۲ مارس ۲۰۱۳) خطاب به احبای ایران]

۲۱- با وجود اینکه اهمیت احترام از کلیه مسائل نفاق افکن سیاسی برای احباً کاملاً روشن است، اما اشتغال‌شان به مسائل مبرم اجتماعی ناشی از انگیزه ممدوح و صادقانه خدمت به اطرافیان‌شان می‌تواند آنان را در موقعیت‌های دشواری قرار دهد. رویدادی غیر منتظره می‌تواند یک موضوع ساده را به مسئله‌ای مشاجره‌انگیز تبدیل نماید و مردم را بر اساس گرایش‌های جانب‌دار از یکدیگر جدا سازد و بعضی از شیوه‌های غیر سالم گفتار را که در عرصه سیاسی رایج است به سایر عرصه‌های گفتمان منتقل نماید. به خصوص در قلمرو بی‌قید رسانه‌های اجتماعی، اشتباهات و تقصیرها - چه واقعی چه تصویری - به سرعت بزرگ‌نمایی شده به آسانی موجب برانگیختن انواع احساسات می‌گردد، احساساتی مانند خشم موجه، اصرار به ترویج نقطه نظر شخصی، و یا اشتیاق به شناخته شدن به عنوان منبع اطلاعات تازه. بسیاری از اموری که ظاهراً بی‌ضرر یا حتی مبتنی بر نیت خیر به نظر می‌آید، وقتی با دقت بیشتری بررسی شود، ملاحظه می‌گردد که موجب افزایش نفاق اجتماعی، شعله‌ور ساختن اختلافات بین گروه‌های مخالف، و تداوم عدم توافق گشته، و در نتیجه اتفاق نظر و یافتن راه حل را امکان‌ناپذیر می‌سازد. اگر ابراز نظر یک شخص تحریک‌آمیز یا ناخوشایند به نظر رسد، هر عکس‌العملی نسبت به آن ممکن است بطور ناخواسته موجب تقویت و اشاعه آن نقطه نظر گردد و موضوع را وخیم‌تر سازد. پیروان جمال مبارک باید هرگونه تکنولوژی را با هوشیاری و دقت مورد استفاده قرار داده بینش و انضباط روحانی به کار برند.

آنان باید به موازین عالی‌امر مبارک ناظر باشند که آنها را در نحوه تکلم خود در جمیع اوقات و احیاناً هدایت می‌نماید. حضرت بهاء‌الله می‌فرماید:

از برای هر کلمه‌ئی روحی است لذا باید متکلم و مبین ملاحظه نمایند و بوقت و مقام کلمه القا فرمایند چه که از برای هر کلمه اثری موجود و مشهود حضرت موجود می‌فرماید یک کلمه بمثابه نار است و اخری بمثابه نور و اثر هر دو در عالم ظاهر.

[برگرفته از نامه دارالانشاء بیت العدل اعظم مورخ ۱ دسامبر ۲۰۱۹ خطاب به محافل روحانی ملی (هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)]

۲۲- یک مورد از موارد زیادی که به ملاحظات فوق‌الذکر مربوط می‌گردد، بحث در رسانه‌های اجتماعی در باره مسائل مربوط به ایران است. چنانچه به خوبی می‌توان درک نمود این موضوع از حساسیت خاصی برخوردار است و بنا بر این احباً باید احتیاطی خاص در این مورد مجرا دارند. اظهارات نسنجیده در اینترنت می‌تواند احباً را در آن سرزمین در معرض خطر قرار دهد یا ندانسته دستاویزی برای دروغ‌پردازی‌های دشمنان امر فراهم سازد. رعایت احتیاط کامل در این مورد برای حفظ جامعه ممتحن ایران امری بسیار مهم است.

در این مورد، بیت العدل اعظم مقرر فرمودند نکته دیگری را به اطلاع احبای ایرانی مقیم خارج از مهد امر الله برسانیم. احساس مسئولیت شخصی و عمیق این احباً نسبت به رفاه بهائیان ایران و آینده آن سرزمین مقدس البتّه قابل درک است. با وجود این، آنان باید به خاطر داشته باشند که صرف نظر از موطن اصلی خود، وظیفه والای آنان پیشرفت امر در سرزمینی است که هم‌اکنون در آن زندگی می‌کنند. در حقیقت در طی تاریخ امر مبارک، مشارکت بهائیان ایرانی در نشر نفعات امر مبارک در هر یک از قارات عالم از حد احصا خارج است. موجب سرور معهد اعلی است که این احباً تلاش‌های خود را صرف پیشبرد نقشه پنج‌ساله در نقاطی که ساکنند می‌نمایند. چنین تلاشی باید مقصد اصلی آنان باشد، کوشش در مسیر این هدف موجب شادی برادران و خواهران روحانی آنان در ایران می‌شود و فداکاری‌های آن خادمین ثابت‌قدم را به نحوی شایسته ارج می‌نهد.

[برگرفته از نامه دارالانشاء بیت العدل اعظم مورخ ۱ دسامبر ۲۰۱۹ خطاب به محافل روحانی ملی (هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)]

۲۳- پیام بیت العدل اعظم مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ (۲ مارس ۲۰۱۳) خطاب به احبای ایران  
دوستان عزیز و محبوب،

ظلم و ستمی که جامعه ممتحن و غیور اسم اعظم در سرزمین مقدس ایران در طی سی و چهار سال گذشته با آن مواجه بوده دنباله حملاتی است که در تاریخ صد و شصت و نه ساله آیین بهائی همواره با شدتی کمتر یا بیشتر ادامه داشته است. بر خلاف انتظار کسانی که مصمم بر تضعیف جمع پیروان حضرت بهاء‌الله در زادگاه آیین مقدسش می‌باشند، دسیسه‌های دشمنان بالمال موجب تقویت روح ایمان احباً و تحکیم بنیان جامعه شده است. ایرانیان گرامی که خود قربانی مظالم فراوانند نه تنها بر بی‌عدالتی‌های وارده بر بهائیان واقفند بلکه در خدمات خالصانه و مستمر این جامعه نیرویی سازنده در جهت تغییر و احیای ایران عزیز مشاهده می‌کنند. با افزایش احساس هم‌دردی ملت نسبت به هم‌وطنان بهائی خود، ندای مردم شریف آن سرزمین برای رفع موانعی که شما را از مشارکت در عرصه‌های مختلف حیات اجتماع باز می‌دارد بلندتر می‌شود. پس جای تعجب نیست اگر سؤالات مربوط به موضع بهائیان نسبت به امور سیاسی اهمیت بیشتری بیابد.

در طول تاریخ، جامعه بهائی ایران در ارتباط با امور سیاسی با موقعیت خاصی رو به رو بوده است بدین معنی که از یک طرف به غلط مورد اتهاماتی چون داشتن انگیزه‌های سیاسی، جبهه‌گیری علیه حکومت وقت و یا جاسوسی برای قدرت‌های خارجی قرار گرفته و از طرف دیگر در نظر برخی، تمسک محکم بهائیان به اصل عدم دخالت در سیاست‌های حزبی به بی‌توجهی آنان نسبت به مصالح هم‌میهن‌شان تعبیر شده است. حال که اهداف واقعی مخالفین آیین بهائی بر ملا گردیده شایسته است که به علاقه روزافزون ایرانیان به درک نگرش بهائیان نسبت به سیاست پاسخ گویند مبادا سوء تفاهمات موجب سستی پیوندهای دوستی و رفاقتی گردد که با نفوس بی‌شماری برقرار ساخته‌اید. سزاوار آنست که در این پاسخ فقط به چند جمله کوتاه، هرچند مهم، در باره محبت و یگانگی اکتفا

نکنید بلکه تصویری از چارچوبی که رویکرد جامعه بهائی را نسبت به این موضوع شکل می‌دهد برای هم‌وطنان عزیز خود ترسیم نمایید. امیدواریم توضیحات زیر بتواند در این مورد به شما عزیزان کمک کند.

چشم‌انداز آیین بهائی از سیاست با مفهومی خاص از تاریخ و مسیر آن رابطه‌ای جدایی‌ناپذیر دارد. پیروان حضرت بهاء‌الله معتقدند که نوع بشر به آغاز مرحله درخشانی در فرایند طولانی تکامل خود رسیده، فرایندی که او را از مرحله طفولیت به آستانه بلوغ یعنی مرحله استقرار یگانگی نوع بشر رسانده است. همانند یک فرد که قبل از ورود به مرحله بلوغ جسمانی، دورانی متغیر اما نویدبخش را می‌گذراند و بسیاری از قوا و استعدادهاى نهفته‌اش آشکار می‌گردد، عالم انسانی نیز اکنون در بحبوحه تحوّل بی‌سابقه قرار گرفته و بسیاری از اغتشاشات و تلاطمات جهان امروز را می‌توان فوران احساسات پر جوش و خروش این مرحله و نشانه آغاز بلوغ نوع انسان دانست. با ظهور و بروز مقتضیات این بلوغ، آداب و رسوم و نگرش‌ها و عادات متداوله قرون و اعصار دیرین یکی پس از دیگری از کارآیی باز می‌ماند.

در تغییر و تحولات کنونی جوانب مختلف زندگی بشری، بهائیان تعامل دو فرایند اساسی را مشاهده می‌نمایند. طبیعت یک فرایند تجزیه و تخریب و طبیعت دیگری ترکیب و سازندگی است. هر یک از این دو به طریقی نوع بشر را به سوی بلوغ کامل خود سوق می‌دهد. اثرات فرایند اول در همه جا آشکار است: در دشواری‌های گریبان‌گیر نهادهایی که در گذشته مورد نهایت احترام بوده‌اند؛ در ناتوانی رهبران عالم از ترمیم شکاف‌های فزاینده‌ای که در ساختارهای اجتماعی به چشم می‌خورند؛ در فروپاشی معیارهایی که طی قرون و اعصار تمایلات ناهنجار بشری را مهار کرده‌اند؛ و در یأس و بی‌تفاوتی نه فقط افراد بلکه اجتماعاتی که تماماً حس هدف‌مندی خود را از دست داده‌اند. اما نیروهای تخریب هرچند ویران‌گرند ولی در عمل سدهایی را که مانع پیشرفت بشر می‌شوند از میان برمی‌دارند و فضایی برای فرایند سازندگی فراهم می‌نمایند تا گروه‌های مختلف را به هم نزدیک کند و امکانات تازه‌ای را برای همکاری و معاضدت در برابر دیدگان‌شان قرار دهد. بهائیان فرداً و جمعاً البته می‌کوشند تا مساعی خود را با قوای فرایند سازنده هم‌سو نمایند زیرا معتقدند که این فرایند، هر چقدر افق‌های نزدیک تیره و تار باشد، روز به روز قوی‌تر خواهد شد، امور بشری سازمانی کاملاً جدید خواهد یافت و عصر صلح عمومی چهره خواهد گشود.

این است بینشی از تاریخ که مبنای کلیه اقدامات جامعه بهائی است.

همان‌گونه که از مطالعه آثار بهائی دریافته‌اید، اصل یگانگی نوع انسان که نشانه بارز دوران بلوغ اوست باید در تمام جوانب حیات اجتماعی تجلی کند. تعلق نوع انسان به یک قوم واحد که زمانی با ناباوری تلقی می‌شد امروزه به طور وسیع مورد پذیرش است. ردّ تعصبات عمیق دیرینه و حسّ روزافزون شهروندی جهانی از جمله نشانه‌های این آگاهی رو به تزاید است. هرچند این آگاهی امیدبخش است ولی باید آن را صرفاً به منزله اولین قدم در فرایندی شمرد که تنها با گذشت سال‌ها بلکه قرن‌ها تکامل خواهد یافت زیرا اصل یگانگی نوع بشر که حضرت بهاء‌الله مقتضیات آن را اعلان فرموده‌اند فقط خواهان همکاری در بین مردمان و ملت‌ها نیست بلکه مستلزم نواندیشی کامل در باره روابطی است که به اجتماع تداوم می‌بخشد. بحران فزاینده محیط زیست که محرک آن نظامی است که تاراج منابع طبیعی را برای ارضای زیاده‌طلبی بی‌پایان بشری نادیده می‌گیرد گویای آنست که تصوّر کنونی نوع انسان از روابطش با طبیعت تا چه حد نارسا است؛ وخامت اوضاع خانواده همراه با افزایش نقض مداوم حقوق زنان و کودکان در سراسر جهان روشن‌گر آنست که عقاید کوتاه‌نظرانه‌ای که امروزه روابط خانوادگی را توصیف می‌کند تا چه اندازه فراگیر است؛ تداوم استبداد از یک سو و بی‌اعتنایی روزافزون مردم جهان به مرجعیت مشروع از سوی دیگر روشن می‌سازد که ماهیت روابط کنونی موجود میان فرد و نهادهای اجتماع برای بشریتی رو به بلوغ

چقدر غیر قابل قبول است؛ تمرکز ثروت در دست گروهی کوچک از سکنه کره زمین نشان می‌دهد که روابط بین بخش‌های گوناگون اجتماع که اکنون به صورت جامعه‌ای جهانی در آمده چگونه از بنیان به غلط طرح‌ریزی شده است. اصل یگانگی نوع بشر مستلزم تغییری بنیادین در تار و پود ساختار اجتماع در سراسر عالم است. بهائیان بر این باور نیستند که تقلیب و تحولات مورد نظر تنها از طریق مساعی آنان صورت خواهد گرفت و هم‌چنین به دنبال ایجاد نهضتی نیستند که بینش خود را نسبت به آینده بر اجتماع تحمیل نماید. هر ملت و هر گروه و در حقیقت هر فرد، به فراخور توان و استعداد خود به ایجاد تمدنی جهانی که نوع بشر قطعاً به سوی آن پیش می‌رود کمک خواهد کرد. اتحاد و یگانگی به فرموده حضرت عبدالبهاء در عرصه‌های مختلف حیات بشری متدرجاً حاصل خواهد شد از جمله "وحدت سیاست"، "وحدت آراء در امور عظیمه"، "وحدت نژاد"، و "وحدت وطن". با تحقق این امور، ساختارهای لازم در دنیایی برخوردار از اتحاد سیاسی که تنوع کامل فرهنگ‌ها را ارج می‌نهد و شرایط ظهور و بروز حرمت و شرافت انسانی را فراهم می‌سازد، به مرور شکل خواهد گرفت. بنا بر این مشغله ذهنی جامعه جهانی بهائی آنست که چگونه می‌تواند به بهترین وجه به فرایند تمدن‌سازی کمک کند. این جامعه دو بُعد در کار خود مشاهده می‌کند: بُعد اول مربوط به رشد و تکامل خود و بُعد دوم مربوط به کیفیت تعاملش با اجتماع می‌باشد.

در زمینه رشد و تکامل جامعه خود، بهائیان در شرایط اجتماعی مختلف در سراسر جهان خاضعانه تلاش می‌کنند تا الگویی برای فعالیت و ساختارهای اداری مربوطه فراهم آورند که اصل وحدت نوع بشر و معتقدات زیربنایی این اصل را تجسم می‌بخشد. برای روشن شدن موضوع در اینجا فقط چند فقره از این اعتقادات بیان می‌گردد: روح انسانی عاری از جنسیت، نژاد، قومیت و طبقه می‌باشد و این حقیقتی است که هر نوع تعصب را غیر قابل قبول می‌نماید مخصوصاً تعصب نسبت به زنان که آنان را از پرورش استعدادهای ذاتی خود و از اشتغال پا به پای مردان در میادین گوناگون باز می‌دارد؛ ریشه اصلی تعصب جهل است که به کمک فرایندهای آموزشی می‌تواند بر طرف گردد، فرایندهایی که دانش را در اختیار تمامی نوع بشر قرار می‌دهد و آن را کالایی منحصر به اقلیتی مرفه نمی‌داند؛ علم و دین دو نظام مکمل دانش و عمل‌اند که انسان از طریق آنها دنیای اطراف خود را درک می‌کند و به وسیله آنها تمدن را به پیش می‌برد؛ دین بدون علم به سرعت به سطح خرافات و تعصبات تنزل می‌یابد و علم بدون دین به ابزاری برای مادی‌گرایی خشک تبدیل می‌گردد؛ مادام که مصرف‌گرایی به منزله افیون روح انسان عمل می‌نماید دسترسی به رفاه واقعی که ثمره انسجامی پویا بین نیازهای مادی و معنوی زندگی است روز به روز دشوارتر خواهد شد؛ عدالت که یکی از قوای روح انسان است فرد را قادر به تشخیص حقیقت از دروغ می‌سازد و جستجوی واقعیت را هدایت می‌کند، جستجویی که برای رهایی از عقاید خرافی و سنت‌های پوسیده‌ای که راه یگانگی را مسدود می‌سازند ضروری است؛ عدالت وقتی که به نحوی صحیح در مسائل اجتماعی اعمال گردد مهم‌ترین وسیله برای ایجاد وحدت و یگانگی است؛ هر کسب و کاری که با روح خدمت به هم‌نوع انجام شود به منزله عبادت و ستایش خداوند است. تبدیل این قبیل آرمان‌ها به واقعیت، ایجاد تقلیب در افراد و پی‌ریزی ساختارهای اجتماعی مناسب مطمئناً کار کوچکی نیست. با این حال جامعه بهائی یک فرایند یادگیری درازمدت را که لازمه این مشروع عظیم است با جدیت تمام دنبال می‌کند، مشروعی که مشارکت تعداد فزاینده‌ای از مردم از هر طبقه و از هر گروه بشری را استقبال می‌نماید.

البته بسیاری مسائل که این فرایند یادگیری که اکنون در جوامع مختلف بهائی در هر گوشه از جهان در جریان است باید به آنها پردازد از جمله: گردهم‌آوری مردمانی از پیشینه‌های مختلف در محیطی دور از خطر مداوم نفاق و اختلاف، محیطی که به روح ستایش و نیایش متمایز است، ترک ذهنیت تفرقه‌اندازی را تشویق می‌کند، موازین

بالا تری از وحدت فکر و عمل را ترویج می‌دهد و صمیمیت و همکاری قلبی را سبب می‌گردد؛ توان‌دهی به گروه‌های فزاینده‌ای از مردان و زنان به نحوی که از خمودت و بی‌تفاوتی به در آیند و به فعالیت‌هایی اشتغال ورزند که به پیشرفت روحانی، اجتماعی و فکری‌شان منجر می‌شود؛ اداره امور جامعه‌ای که عاری از وجود طبقه روحانیون مدعی برتری و امتیاز است؛ کمک به جوانان تا در عبور از این مرحله حساس و پرمخاطره زندگی راه خود را بیابند و توان‌مند شوند تا انرژی سرشار خود را در مسیر پیشبرد تمدن به کار برند؛ ایجاد فضایی سازنده و منسجم در محیط خانواده تا به رفاه مادی و معنوی بیانجامد، در کودکان و جوانان احساس بیگانگی نسبت به "دیگران" القا نشود و فکر بدر رفتاری با "دیگران" تقویت نگردد؛ فراهم ساختن تمهیداتی برای یک فرایند مشورتی که در آن تصمیم‌گیری از افکار و آرای متنوع بهره‌مند گردد، فرایندی که در نقش اقدامی جمعی در جستجوی واقعیت و فارغ از دل‌بستگی به دیدگاه‌های شخصی، اطلاعات مبتنی بر تجارب عملی را ارج نهد، آنچه را که صرفاً یک نظر و یک رأی است به مقام واقعیت ارتقا ندهد و حقیقت را وجه المصالحة توافق بین گروه‌های مخالف ذی‌نفع نسازد. برای بررسی بهتر این مسائل و موضوع‌های بی‌شمار دیگری که مسلماً پیش خواهد آمد، جامعه بهائی شیوه عمل معینی اتخاذ کرده است که ویژگی آن اقدام، بازنگری، مشورت و مطالعه‌ای است که نه تنها مراجعه مداوم به آثار امری بلکه تجزیه و تحلیل علمی الگوهای حاصله را نیز در بر می‌گیرد. سؤالاتی نیز از قبیل اینکه چگونه می‌توان یک چنین روش یادگیری در حین عمل را ادامه داد، چگونه می‌توان مشارکت تعداد فزاینده‌ای از افراد را در تولید و به کارگیری دانش مربوطه تضمین نمود، و چگونه می‌توان ساختارهایی برای استفاده سیستماتیک از تجربیات حاصله در سراسر جهان و برای ارائه و انتقال درس‌های آموخته شده طرح نمود، از جمله مسائلی است که مورد کاوش و تحقیق مستمر جامعه بهائی می‌باشد.

مسیر کلی این فرایند یادگیری از طریق یک سلسله نقشه‌های جهانی هدایت می‌شود که جهت و چارچوب آن را بیت العدل اعظم تعیین می‌کنند. واژه کلیدی این نقشه‌ها پرورش قابلیت است. هدف بالا بردن سطح توان‌مندی سه شرکت‌کننده در این اقدام جمعی یعنی افراد، جامعه و مؤسسات می‌باشد تا پایه‌های حیات روحانی را در همه جا — از دهکده‌های بی‌شمار در مناطق روستایی گرفته تا محله‌های شهرهای بزرگ — تقویت نمایند، رفع برخی از نیازهای اجتماعی و اقتصادی ساکنین محل را وجهه همت خود قرار دهند، در گفتمان‌های رایج مشارکت نمایند و در عین حال انسجام لازم در روش‌ها و رویکردها را حفظ کنند.

درک ماهیت آن روابطی که فرد، جامعه و مؤسسات اجتماع، یعنی سه بازی‌گری را که همواره در صحنه تاریخ گرفتار کشمکش بر سر کسب قدرت بوده‌اند به هم پیوند می‌دهد، مسئله‌ای مهم و اساسی در فرایند یادگیری است. در این بستر، پیش‌فرضی که روابط بین سه اجراکننده مزبور را لزوماً تابع مستلزمات رقابت می‌داند و قدرت‌های عظیم و نهفته روح انسانی را نادیده می‌گیرد کنار گذاشته شده و به جای آن پیش‌فرضی واقع‌بینانه‌تر اتخاذ گردیده مبنی بر اینکه تعامل دوستانه و هماهنگ این سه می‌تواند مروج تمدنی باشد که شایسته بشری بالغ است. الهام‌بخش اقدامات بهائیان برای یافتن مجموعه نوینی از روابط بین این سه اجراکننده، بینشی از اجتماع آینده است که حضرت بهاء‌الله قریب یک قرن و نیم پیش در یکی از الواح خود به آن اشاره فرموده عالم بشری را به هیکل انسان تشبیه می‌نمایند که همکاری و تعاون اصل حاکم بر نظام آن است. همان‌گونه که پیدایش قوه عاقله در عالم وجود نتیجه هم‌بستگی و اتحاد پیچیده میلیون‌ها سلول است که با تشکیل بافت‌ها و اعضای مختلف توان‌مندی‌های متمایز را ممکن می‌سازند تکامل تمدن بشری را نیز می‌توان نتیجه مجموعه‌ای از تعاملات بین اجزای منسجم و متنوع نوع انسان دید، انسانی که توانسته است از مقصد کوتاه‌بینانه تمرکز در موجودیت خود فراتر رود. همان‌طور که زیستایی هر سلول و هر عضو به سلامت تمامی بدن وابسته است به همین ترتیب رفاه هر فرد، هر خانواده و هر ملت را باید در رفاه تمامی نوع بشر

جستجو نمود. بر اساس چنین بینشی و با آگاهی بر لزوم اقدامات هماهنگ برای حصول نتایج سودمند، هدف مؤسّسات تسلّط بر افراد نیست بلکه پرورش استعدادها و هدایت آنان است. افراد نیز به نوبه خود این هدایت را با میل و با ایمانی منبعث از درک و آگاهی می‌پذیرند نه با اطاعت کورکورانه. وظیفه خطیر جامعه ایجاد و حفظ محیطی است که در آن توانایی افرادی که مایلند خلاقیت خود را مسئولانه و در جهت مصالح عمومی و بر طبق نقشه‌های مؤسّسات ابراز نمایند از طریق اقدامات مشترک مضاعف شود.

برای شکل‌گیری مجموعه روابط فوق‌الذکر به صورت الگویی از زندگی مبتنی بر اصل یگانگی نوع بشر، برخی از مفاهیم اساسی باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. عمده‌ترین آنها مفهوم قدرت است. بدیهی است که قدرت به معنای وسیله‌ای برای سلطه‌جویی و گرایش‌های ملازم آن مانند رقابت، مجادله، تفرقه‌جویی و تفوق‌طلبی باید کنارگذاشته شود. البته این بدان معنی نیست که کارکرد قدرت انکار شود زیرا حتی در مواردی که نهادهای اجتماع مأموریت و اختیارات خود را با رأی مردم کسب می‌کنند قدرت در اعمال حاکمیت و مرجعیت مداخلت دارد. اما قدرت عنصری محدود نیست که باید ضبط و تصرف شود

و مجدانه محافظت گردد. قدرت، در اصل، قابلیت است نامحدود برای ایجاد تقلیب و تحوّل که در تمامیت نوع انسان جای دارد. فرایندهای سیاسی مانند سایر فرایندهای زندگی نباید از تأثیر قوای روح بشری از جمله قدرت وحدت و یگانگی، قدرت عشق و محبت، قدرت خدمت خاضعانه، و قدرت اعمال خالصانه بی‌بهره بماند. آیین بهائی همانند دیگر ادیان امیدوار است که نوع بشر از این قدرت‌ها بهره بیشتری گیرد. شکوفا نمودن، تشویق کردن، جهت بخشیدن، هدایت کردن و قادر ساختن از جمله واژه‌هایی هستند که با این مفهوم از قدرت بستگی دارند.

جامعه بهائی ادعای کمال ندارد و به خوبی نیز آگاه است که راه درازی در پیش دارد تا تجربیاتش منجر به کسب بصیرت‌های لازم در باره این روابط گردد. داشتن آرمان‌های والا با پیاده کردن آنها در زندگی روزمره بسی متفاوت است. چالش‌های بی‌شماری در راه است و درس‌های بسیاری باید آموخت. ناظری بی‌طرف در نگاهی کوتاه ممکن است مساعی جامعه بهائی در جهت مقابله با این چالش‌ها را آرمان‌گرایانه بخواند ولی متهم ساختن بهائیان به بی‌تفاوتی نسبت به امور کشورشان توجیه‌پذیر نیست تا چه رسد به تهمت بی‌وطنی. اگرچه ممکن است مجهودات بهائیان برای برخی خیال‌پردازانه انگاشته شود اما توجه و علاقه عمیق‌شان به مصالح نوع بشر را نمی‌توان نادیده گرفت. به علاوه در حالی که به نظر نمی‌رسد هیچ یک از ترتیبات کنونی جهان قادر باشد جامعه بشری را از غرقاب اختلاف و جدال نجات بخشد و رفاه و سعادتش را تأمین نماید، چرا اقدامات گروهی از شهروندان یک مملکت به منظور درک عمیق‌تر خود از ماهیت آن روابط بنیادینی که تعیین‌کننده آینده‌ای است که نوع انسان به سویش در حرکت است باید زیر سؤال برده شود؟ چه ضرری از این اقدامات می‌تواند حاصل شود؟

حال در چارچوب ارائه شده در فوق، می‌توان دومین بُعد مجهودات جامعه بهائی برای کمک به فرایند تمدن‌سازی، یعنی مشارکت این جامعه در امور اجتماع را بررسی نمود. آنچه را که بهائیان به منزله یک جنبه از کمک خود به این فرایند می‌دانند البته نمی‌تواند با جنبه دیگر آن مغایرت داشته باشد بدین معنی که فی‌المثل آنان نمی‌توانند در صدد یافتن الگوهایی فکری و عملی برای متجلی ساختن اصل وحدت و یگانگی در جامعه خود باشند ولی هم‌زمان در میدانی فعالیت کنند که مفروضاتی کاملاً متفاوت در باره زندگی اجتماعی انسان را دنبال می‌کند. برای دوری جستن از این دوگانگی و تضاد، جامعه بهائی بر اساس آموزه‌های آیین خود عناصر اصلی رویکردی را به تدریج تنظیم کرده است که مشارکت اعضایش در حیات اجتماع را شکل می‌دهد. اولین و مهم‌ترین وظیفه بهائیان، چه فردی و چه جمعی، کوشش در اجرای این تعلیم حضرت بهاء‌الله است که می‌فرماید: "باید با جمیع اهل عالم به روح و ریحان معاشرت نمایند چه که معاشرت سبب اتحاد و اتفاق بوده و هست و اتحاد و اتفاق

سبب نظام عالم و حیات امم است." حضرت عبدالبهاء با ارائه توضیحات بیشتری در این مورد می‌فرماید: "نوع انسان محتاج تعاون و تعاضد است محتاج مروده و اختلاط است تا کسب سعادت و آسایش کند و راحت و آرایش یابد"، "آنچه سبب ائتلاف و تجاذب و اتحاد بین عموم بشر است حیات عالم انسانیت و آنچه سبب اختلاف و تنافر و تباعد است علت ممت نوع بشر است" و همچنین "هر چه الفت و محبت بین بشر مزاد شود سعادتش بیشتر شود و هر چه نزاع و جدال به میان آید سبب ذلت شود." حتی در باره دین می‌فرماید: "دین باید سبب محبت و الفت باشد اگر دین سبب جدال و عداوت شود البته عدم آن بهتر است." بدین ترتیب بهائیان دائماً می‌کوشند تا به نصیحت حضرت بهاء‌الله گوش فرادهند که می‌فرماید: "از بیگانگی چشم بردارید و به یگانگی ناظر باشید." آن حضرت به پیروان خود توصیه می‌فرماید که "امروز انسان کسی است که به خدمت جمیع من علی الأرض قیام نماید." نصیحت حضرتش آنست که "هر روز را رازی است و هر سر را آوازی. درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر. امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید." حضرت بهاء‌الله در اهمیت وحدت و یگانگی می‌فرماید: "نور اتفاق آفاق را روشن و منور سازد."

با توجه به این‌گونه عقاید و افکار، بهائیان می‌کوشند تا حدی که امکاناتشان اجازه دهد با تعداد فزاینده‌ای از جنبش‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد همکاری نمایند و به اقدامات مشترکی بپردازند که بر اتحاد و یگانگی می‌افزاید، رفاه عالم انسانی را ترویج می‌دهد و به هم‌بستگی جهانی کمک می‌نماید. آثار بهائی پیروان این آیین را به مشارکت فعالانه در جوانب بی‌شماری از زندگی معاصر فرا می‌خواند. بهائیان برای انتخاب میادین مشارکت خود موظفند که این اصل مندمج در تعالیم بهائی را نیز مد نظر داشته باشند که وسیله باید با هدف توافق و تطابق داشته باشد و نمی‌توان از راه‌های ناشایست به اهداف متعالی دست یافت. به خصوص ممکن نیست بتوان وحدتی پایدار را از طریق مجهوداتی بنیان نهاد که اختلاف را ترویج می‌دهد و یا مبتنی بر این باور است که تعاملات بشری کلاً و ذاتاً بر شالوده تضاد منافع استوار می‌باشد. در اینجا باید متذکر شد که با وجود محدودیت‌های ناشی از پای‌بندی به این اصل، جامعه بهائی دچار کمبود موقعیت برای همکاری نبوده است؛ چه بسیارند مردمانی که امروزه در سراسر جهان در جهت تحقق اهدافی که مورد نظر بهائیان نیز هست مجدانه در تلاش‌اند. بهائیان هم‌چنین می‌کوشند تا در همکاری‌های خود با دیگران از مرزهای مشخصی فراتر نروند مثلاً هیچ اقدام مشترکی را فرصتی برای تحمیل عقاید مذهبی خود نشمرند و از خود برحق‌بینی و سایر جلوه‌های نامطلوب هیجانات مذهبی احتراز جویند. اما درس‌هایی را که از تجربیات خود آموخته‌اند بی‌دریغ در اختیار اطرافیان‌شان می‌گذارند و بینش‌هایی را که دیگران آموخته‌اند با خوشنودی در مساعی جامعه‌سازی خود به کار می‌گیرند.

پس از بیان مطالب فوق سرانجام به مسئله فعالیت‌های سیاسی می‌پردازیم. اعتقاد بهائیان بر اینکه نوع بشر با گذشتن از مراحل اولیه تکامل اجتماعی اکنون به آستانه بلوغ خود رسیده است؛ ایمان‌شان به اصل وحدت نوع بشر یعنی خصیصه بارز دوران بلوغ نوع انسان و آگاهی‌شان بر اینکه این اصل مستلزم نواندیشی کامل در باره روابطی است که به اجتماع تداوم می‌بخشد؛ تمسک‌شان به یک فرایند یادگیری که با الهام از اصل یگانگی سعی در درک عمیق‌تری از ماهیت مجموعه‌ای نوین از روابط بین فرد، جامعه و مؤسسات دارد؛ اعتقادشان به اینکه مفهوم جدیدی از قدرت — فارغ از حس سلطه‌جویی و گرایش‌های ملازم آن مانند رقابت، مجادله، تفرقه‌جویی و تفوق‌طلبی — زیربنای این مجموعه روابط مطلوب است؛ و بینش‌شان از بنا نهادن جهانی که از تنوع فرهنگی بهره‌مند و از هر نوع نفاق فارغ است؛ اینها از جمله عناصر اساسی چارچوبی هستند که رویکرد آیین بهائی نسبت به سیاست را، به نحوی که در زیر بیان می‌گردد، شکل می‌دهد.

بهائیان در پی کسب قدرت سیاسی نیستند. در دولت‌های متبوع خود قطع نظر از نوع حکومت، پست‌های سیاسی را نمی‌پذیرند هرچند مسئولیت‌هایی را که صرفاً جنبهٔ اداری دارد قبول می‌کنند. به احزاب سیاسی وابستگی ندارند، در سیاست حزبی دخالت نمی‌کنند و در برنامه‌های وابسته به دستورالعمل‌های تفرقه‌انداز هیچ گروه یا حزبی شرکت نمی‌جویند. در عین حال به کسانی که با نیت خالص برای خدمت به کشور خود در اقدامات سیاسی مشارکت می‌نمایند و یا آمال سیاسی را دنبال می‌کنند احترام می‌گذارند. رویکرد جامعهٔ بهائی در مورد عدم مشارکت در این گونه فعالیت‌ها به منزلهٔ اعتراضی بنیادین نسبت به امر سیاست به معنای واقعی آن نیست زیرا نوع بشر ملاً از طرق سیاسی امور خود را سازمان می‌دهد. بهائیان در انتخابات مدنی شرکت می‌کنند ولی تنها در صورتی که این عمل مشروط به وابستگی آنان به احزاب سیاسی نباشد. بهائیان دولت را نظامی برای حفظ رفاه و پیشرفت صحیح اجتماع تلقی می‌نمایند و در هر کشوری که زندگی می‌کنند اطاعت از قوانین آن را، بدون زیر پا نهادن عقاید دینی‌شان، وظیفهٔ خود می‌دانند. در هیچ توطئه و دسیسه‌ای برای براندازی هیچ دولتی شرکت نمی‌جویند و در روابط سیاسی دول مختلف دخالت نمی‌نمایند. این بدان معنی نیست که بهائیان از فرایندهای سیاسی جهان امروز بی‌اطلاع‌اند و بین حکومت‌های عادل و ظالم تمایز قائل نمی‌شوند. رهبران جهان در قبال مردم کشور خود که گران‌قدرترین ذخایر هر مملکت شمرده می‌شوند وظایف سنگین و مقدسی بر عهده دارند. بهائیان در هر کجا که ساکن باشند می‌کوشند که موازین عدالت را رعایت نمایند و برای اصلاح نابرابری و بی‌عدالتی نسبت به خود و دیگران، در قالب قوانین موجود، فعالیت کنند ولی از هر نوع اقدام خشونت‌آمیز نیز اجتناب می‌ورزند. محبتی که بهائیان در قلوب‌شان نسبت به تمام نوع بشر می‌پروراند هیچ مغایرتی با احساس علاقه و وظیفه نسبت به وطن‌شان ندارد.

این رویکرد یا این راه‌برد، همراه با آنچه در فوق بیان شد جامعهٔ بهائی را قادر می‌سازد که در دنیایی که ملل و قبایل به ضدیت در مقابل یکدیگر ایستاده‌اند و ساختارهای اجتماعی در همه جا مردم را منقسم و از هم جدا می‌سازد، هم‌بستگی و یک‌پارچگی خود را در مقام یک موجودیت جهانی حفظ کند و اجازه ندهد که اقدامات بهائیان در یک کشور موقعیت هم‌کیشان‌شان را در سایر نقاط به خطر بیندازد. با اجتناب از درگیر شدن در منافع و اهداف متضاد ملل و احزاب سیاسی، جامعهٔ بهائی قابلیت خود را برای کمک به فرایندهای صلح و وحدت افزایش می‌دهد.

دوستان عزیز: این مشتاقان به خوبی واقفند که طی طریق در این مسیر طولانی که شما عزیزان سالیان دراز آن را با مهارت و تدبیر پیموده‌اید وظیفه‌ای خطیر و مسئولیتی سنگین است. پیمودن این راه مستلزم حفظ تمسکی به اصول اخلاقی است که تزلزل نپذیرد، خواهان درست‌کاری و صداقتی است که تضعیف نشود، خواستار درکی روشن است که به تیرگی نگراید و لازم‌اش عشقی به وطن مألوف است که بازیچهٔ دست دسیسه‌گران نگردد. اکنون که هم‌میهنان شریف شما به بی‌عدالتی‌های وارده بر جامعهٔ بهائی وقوف یافته‌اند و بدون شک امکان مشارکت شما در حیات اجتماع بیش از پیش فراهم خواهد شد، دعای این جمع به درگاه حضرت پروردگار آن است که به مدد تأییدات الهی موفق شوید که چارچوب ترسیم شده در این صفحات را برای همسایگان، دوستان، هم‌کاران و آشنایان خود تشریح نمایید تا در تشریح مساعی با آنان موقعیت‌های فزاینده‌ای برای کمک به بهزیستی و رفاه هم‌وطنان خود بیابید بدون آنکه بر هویت شما در مقام پیروان نفس مقدسی که یک قرن و نیم پیش عالم انسانی را به استقرار صلح عمومی و نظمی بدیع و جهانی دعوت فرمود خدشه‌ای وارد آید.

[امضا: بیت العدل اعظم]



۲۴- نامه دارالانشاء بیت العدل اعظم مورخ ۱ دسامبر ۲۰۱۹ خطاب به محافل روحانی ملی (هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی) دوستان عزیز روحانی،

همانطور که مطلعید اوضاع نگران‌کننده‌ای که مردم جهان با آن رو به رو هستند و مشکلات پی در پی حاصله از عدم اتحاد در درون ملت‌ها و بین ملت‌ها موضوعی بارز و آشکار در پیام‌های بیت العدل اعظم بوده است. بهائیان البته همواره اوضاع جهان را مد نظر دارند. رفاه عالم انسانی و صلح و آرامش آن آرزوی همیشگی همه کسانی است که این پند حضرت بهاء‌الله را به گوش جان شنیده‌اند که می‌فرمایند "امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید". بعلاوه، کاملاً بدیهی است که اشتیاق احباً برای کمک به اصلاح و بهبود عالم انسانی و مشارکت سازنده در حیات اجتماع به هیچ وجه با عدم مداخله آنان در امور سیاسی در تضاد نیست. اگرچه آگاهی از شداید و مشقاتی که بسیاری از مردم را مبتلا ساخته موجب افزایش تعهد به تغییر بنیادین اجتماعی می‌گردد، ولی فعالیت‌های سیاسی از جانب بهائیان صرفاً موجب تضعیف قوای جامعه و مانع تحقق این تغییر خواهد گشت. تغییر باید از تحول روحانی اجتماع ناشی گردد. بیت العدل اعظم در پیام ۲ مارس ۲۰۱۳ خطاب به بهائیان ایران این موضوع را مورد بررسی بیشتری قرار داده‌اند، پیامی که بسیاری از جوامع بهائی مراجعه مکرر به آن را مفید یافته‌اند. معهد اعلی مقرر فرموده‌اند نکات بیشتری را در مورد موضوعی که کاملاً به این مسئله مربوط می‌گردد به اطلاع شما برسانیم. این نامه را می‌توانید به هر طریقی که صلاح می‌دانید با احباً در میان گذارید.

یکی از نشانه‌های آشکار بیماری روز به روز وخیم‌تر اجتماع تنزل مداوم گفتمان‌های عمومی به بغض و عناد روزافزون است که نمایانگر جبهه‌گیری‌های تفرقه‌ساز در نقطه‌نظرها است. از جمله خصوصیات رایج چنین گفتمان‌های امروزی انحطاط سریع اختلافات سیاسی به توهین و استهزاء است. اما وجه تمایز عصر حاضر از دوران گذشته اینست که قسمت اعظمی از این گفتمان‌ها در برابر دیدگاه جهانیان صورت می‌گیرد. رسانه‌های اجتماعی و وسایل ارتباطی مربوطه بیشترین اشاعه را برای مسائل مشاجره‌انگیز میسر می‌سازد، و همین وسایل به افراد اجازه می‌دهد تا هر چه را که توجه آنان را جلب کرده در سطح وسیعی فوراً منتشر سازند و حمایت و یا مخالفت خود را نسبت به گرایش‌های گوناگون بطور صریح یا ضمنی نشان دهند. سهولت بی‌نظیری که شرکت در چنین مناظره عمومی را ممکن می‌سازد و نیز ماهیت این تکنولوژی، احتمال اشتباه و لغزش آنی در قضاوت و رفتارهای غیر محتاطانه را بیشتر و پیامدهای آن را پایدارتر می‌سازد.

این مسئله مفاهیم و مقتضیات خاصی برای بهائیان دارد که به خوبی آگاهند که اصول دیانت‌شان آنان را ملزم به اجتناب از مداخله در هرگونه مباحثه و مجادله سیاسی می‌نماید. حضرت عبدالبهاء به یکی از احباً نصیحت می‌فرمایند که "لا تلتفّظی بکلمة من السیاسیات... و لا تذکری ملوک الأرض و حکومتها المادیة و الزمنیة الّا بخیر."<sup>۱</sup> حضرت شوقی افندی به ما هشدار می‌دهند که مبدا بینش ما از امر الهی "به آلیش و غبار حوادث این عالم مکدر گردد، حوادثی که هرچند جلوه ظاهری آن بدو چشمگیر و گسترده باشد، ولی فقط سایه‌ای ناپایدار از عالمی بی‌اعتبار است". با وجود اینکه اهمیت احترام از کلیه مسائل نفاق‌افکن سیاسی برای احباً کاملاً روشن است، اما اشتغال‌شان به مسائل مبرم اجتماعی ناشی از انگیزه ممدوح و صادقانه خدمت به اطرافیان‌شان می‌تواند آنان را در موقعیت‌های دشواری قرار دهد. رویدادی غیر منتظره می‌تواند یک موضوع ساده را به مسئله‌ای مشاجره‌انگیز تبدیل نماید و مردم را بر اساس گرایش‌های جانب‌دار از یکدیگر جدا سازد و بعضی از شیوه‌های غیر سالم گفتار را که در

<sup>۱</sup> مضمون بیان: از سیاست سخن مگو... از ملوک ارض و حکومت‌های دنیوی جز به نیکی یاد مکن

عرصهٔ سیاسی رایج است به سایر عرصه‌های گفتمان منتقل نماید. به خصوص در قلمرو بی‌قید رسانه‌های اجتماعی، اشتباهات و تقصیرها — چه واقعی چه تصویری — به سرعت بزرگ‌نمایی شده به آسانی موجب برانگیختن انواع احساسات می‌گردد. احساساتی مانند خشم موجه، اصرار به ترویج نقطه‌نظر شخصی، و یا اشتیاق به شناخته شدن به عنوان منبع اطلاعات تازه. بسیاری از اموری که ظاهراً بی‌ضرر یا حتی مبتنی بر نیت خیر به نظر می‌آید، وقتی با دقت بیشتری بررسی شود، ملاحظه می‌گردد که موجب افزایش نفاق اجتماعی، شعله‌ور ساختن اختلافات بین گروه‌های مخالف، و تداوم عدم توافق گشته، و در نتیجه اتفاق نظر و یافتن راه حل را امکان‌ناپذیر می‌سازد. اگر ابراز نظر یک شخص تحریک‌آمیز یا ناخوشایند به نظر رسد، هر عکس‌العملی نسبت به آن ممکن است بطور ناخواسته موجب تقویت و اشاعهٔ آن نقطه‌نظر گردد و موضوع را وخیم‌تر سازد. پیروان جمال مبارک باید هرگونه تکنولوژی را با هوشیاری و دقت مورد استفاده قرار داده بینش و انضباط روحانی به کار برند. آنان باید به موازین عالیّهٔ امر مبارک ناظر باشند که آنها را در نحوهٔ تکلم خود در جمیع اوقات و احیاناً هدایت می‌نماید. حضرت بهاء‌الله می‌فرماید:

از برای هر کلمه‌ئی روحی است لذا باید متکلم و مبین ملاحظه نمایند و بوقت و مقام کلمه القا فرمایند چه که از برای هر کلمه اثری موجود و مشهود حضرت موجود می‌فرماید یک کلمه بمثابه نار است و اخری بمثابه نور و اثر هر دو در عالم ظاهر.

بدیهی است اصولی که احباً در ضمن تعامل عمومی خود با اطرافیان‌شان رعایت می‌کنند باید در هنگام استفاده از رسانه‌های اجتماعی نیز با دقتی بیشتر معمول گردد. این اصول شامل نهی از غیبت، دیدن عالم با چشم خود نه از دید دیگران، لزوم تعهد به وحدت عالم انسانی و اجتناب از ذهنیت "ما" و "آنها"، و مشورت و حفظ احترامی که لازمهٔ آن است می‌باشد. احباً گه‌گاه به مواردی برمی‌خورند که هم‌کیشان‌شان نظراتی را ابراز داشته یا نظرات دیگران را به نحوی نقل می‌نمایند که در مقایسه با موازین مندرج در آثار بهائی دور از حکمت و یا نسنجیده به نظر می‌رسد. هنگامی که با این قبیل مطالب منتشر شده مواجه می‌شویم خطاست اگر نتیجه بگیریم که چنین رفتاری مطلوب، قابل اغماض و یا حتی شایان تشویق می‌باشد. مؤسسات بهائی به کرات مجبور شده‌اند افراد را در مورد اقدامات‌شان در اینترنت راهنمایی نمایند، گرچه حتی الامکان، برای حفظ احترام شخص مورد نظر، با دقت و احتیاط در این مورد اقدام می‌کنند.

یک مورد از موارد زیادی که به ملاحظات فوق‌الذکر مربوط می‌گردد، بحث در رسانه‌های اجتماعی در بارهٔ مسائل مربوط به ایران است. چنانچه به خوبی می‌توان درک نمود این موضوع از حساسیت خاصی برخوردار است و بنا بر این احباً باید احتیاطی خاص در این مورد مجرا دارند. اظهارات نسنجیده در اینترنت می‌تواند احباً را در آن سرزمین در معرض خطر قرار دهد یا ندانسته دستاویزی برای دروغ‌پردازی‌های دشمنان امر فراهم سازد. رعایت احتیاط کامل در این مورد برای حفظ جامعهٔ ممتحن ایران امری بسیار مهم است.

در این مورد، بیت العدل اعظم مقرر فرمودند نکتهٔ دیگری را به اطلاع احبای ایرانی مقیم خارج از مهد امر الله برسانیم. احساس مسئولیت شخصی و عمیق این احباً نسبت به رفاه بهائیان ایران و آیندهٔ آن سرزمین مقدس البتّه قابل درک است. با وجود این، آنان باید به خاطر داشته باشند که صرف نظر از موطن اصلی خود، وظیفهٔ والای آنان پیشرفت امر در سرزمینی است که هم‌اکنون در آن زندگی می‌کنند. در حقیقت در طی تاریخ امر مبارک، مشارکت

بهاثیان ایرانی در نشر نفحات امر مبارک در هر یک از قارّات عالم از حدّ احصا خارج است. موجب سرور معهد  
اعلی است که این احبّ تلاش‌های خود را صرف پیشبرد نقشه پنج‌ساله در نقاطی که ساکنند می‌نمایند. چنین تلاشی  
باید مقصد اصلی آنان باشد، کوشش در مسیر این هدف موجب شادی برادران و خواهران روحانی آنان در ایران  
می‌شود و فداکاری‌های آن خادمین ثابت‌قدم را به نحوی شایسته ارج می‌نهد.

با تقدیم تحیات  
دارالانشاء بیت العدل اعظم